

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۹۷

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

مصادف با: ۵ صفر ۱۴۴۰

موضوع جزئی: آیه ۲۵ - دو توجیه برای ملکیت جنت -

جلسه: ۶

تفسیر آیه «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا ... وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا»

﴿الحمد لله رب العالمين وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين واللعن علی اعدائهم اجمعين﴾

خلاصه جلسه قبل

در تفسیر آیه بیست و پنجم عرض کردیم بشارت به چه معناست و مبشّرین و مبشّرتین چه کسانی هستند. در این آیه به خصوص «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» کسانی هستند که بشارت به آن‌ها داده شده و البته این عنوان جامع سایر عناوینی است که بشارت به آن‌ها داده شده است. یعنی در واقع حکایت می‌کند از حسن فعلی و فاعلی و اینکه برای شمول بشارت هم باید حسن فعلی باشد و هم حسن فاعلی.

متعلق بشارت

اما اینکه به چیزی بشارت داده شده، یعنی متعلق آن خبری که بشارت نامیده می‌شود چه چیزی است، در اینجا مواردی را به عنوان متعلق آن خبر و بشارت ذکر کرده اند.

اولین بشارت، بشارت به جناتی است که «تجری من تحتها الأنهار». البته در ادامه برخی از اوصاف و خصوصیات این بهشت را هم ذکر می‌کند. ما قبلاً در بیان مفردات آیه گفتیم که «لام» در «لهم» هر چند دو معنا در آن محتمل است، هم لام ملکیت و هم لام اختصاص، ولی اولی این است که این «لام» لام ملکیت است.

دو توجیه برای معنای ملکیت جنت

خداوند متعال به پیامبر می‌فرماید که به اهل ایمان و عمل صالح بشارت بده که «أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»؛ اولین خبر اینکه بهشت‌ها و جناتی وجود دارد که از زیر آنها نهرهایی جاری است. اگر لام، لام ملکیت باشد معنای ملکیت اهل ایمان و عمل صالح نسبت به این جنات چیست؟ توجیهاتی برای کیفیت و نحوه ملکیت مؤمنین و صالحان نسبت به این جنات گفته شده که شاید دو توجیه از میان این توجیهات اولی و قابل قبول باشد.

توجیه اول

توجیه اول اینکه منظور از ملکیت انسان نسبت به بهشت، حاکمیت اراده او نسبت به بهشت است. نوع ملکیت کسی که ساکن آن بهشت‌ها می‌شود از سنخ ملکیت‌های اعتباری این دنیا نیست، که یک اضافه‌ای بین مالک و مملوک ایجاد شود، چون ملکیت در این دنیا یک نوع اضافه است، اضافه‌ای که مملوک به مالک پیدا می‌کند و بر این اساس می‌تواند در آن تصرف کند، آن را بفروشد، هبه کند یا صلح کند. این نحوه ملکیت‌های اعتباری آنجا دیگر معنا ندارد.

ملکیتی که برای مؤمنین و صالحین در بهشت است، در واقع همان «کن فیکون» است، یعنی حاکمیت اراده انسان بر همه امور در بهشت است. مثلاً اراده کند به اینکه چشمه بجوشد، اراده کند آنچه را که میخواهد در اختیار او قرار گیرد. پس ملکیت انسان نسبت به بهشت یک ملکیت تکوینی است.

توجیه دوم

توجیه دوم اینکه منظور از ملکیت انسان نسبت به بهشت این است که انسان چون مالک عمل خودش و بوجود آورنده اعمال خودش است، تکویناً، و این اعمال در بهشت ظاهر و متجلی و مجسم می‌شود، بر این اساس به عنوان اینکه سبب ظهور این اعمال و نتایج اش در بهشت است، پس مالک با واسطه بهشت است. یعنی انسان خودش کارهایی کرده که علت شده برای تحقق بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های بهشت.

حال اگر ما ملکیت را اینطور معنا کنیم، پس در مورد اهل جهنم چگونه باید بگوییم؟ اگر انسان مالک تکوینی عمل خودش است، علت اصلی اعمال خودش محسوب می‌شود، چه عمل خیر و چه عمل شرّ باشد، طبیعتاً اگر عمل شرّ باشد در قیامت و در جهنم مجسم و متجلی می‌شود، که عذاب و نار و آتش است. آنوقت در آنجا دیگر مسأله مالکیت نسبت به جهنم طبق این توجیه هم درست می‌شود، ولی مسأله این است که دیگر او در آنجا محصور جهنم است یا به تعبیر دیگر محکوم جهنم است خداوند می‌فرماید: «إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»^۱ هم در جهنم محصور و محکوم است، هم در عین حال علت و سبب تکوینی اعمال شرّ خودش که در آن دنیا بصورت عذاب و آتش تجسم پیدا کرده و متجلی شده است. این را باید یک طوری جمع کرد با آن محکوم بودن در جهنم در حالی در که بهشت این طور نیست، در بهشت محکوم و محصور نیست، در مورد بهشت قرآن نمی‌فرماید: «إِنَّ الْجَنَّةَ لَمُحِيطَةٌ بِالْمُؤْمِنِينَ»؛ اما در جهنم اینچنین اند.

در مجموع به نظر می‌رسد از این دو توجیه، توجیه اول اولی است و با ظاهر نصوص و ادله و روایات هم سازگاری بیشتری دارد، یعنی اینکه «أَنَّ لَهُمْ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»، معنایش این است که اراده‌های مؤمنین و صالحان در بهشت مثل اراده تکوینی خداوند در این عالم مؤثر در امور است، یعنی آنچه که اراده کنند همان می‌شود و اراده آن‌ها به محض تحقق باعث می‌شود مراد هم محقق شود. همانطور که قبلاً هم گفتیم لامِ «لَهُمْ» بهتر است به معنای ملکیت باشد، هم سازگارتر است و هم تأثیر عمل صالح را در نظام علی و معلولی بیشتر نشان میدهد و یک موقعیت ممتازتری را در جنت الهی و بهشت برین نصیب انسان می‌کند.

تفسیر آیه «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنْتُمْ بِمُتَشَابِهَاتٍ»

در ادامه خداوند متعال می‌فرماید: «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنْتُمْ بِمُتَشَابِهَاتٍ»^۲ این قسمت از آیه به این معناست که هر زمانی که از ثمرات بهشت، میوه و ثمره‌ای در اختیار اهل بهشت قرار می‌گیرد و رزقی

^۱ سوره توبه آیه ۴۹.

^۲ سوره بقره آیه ۲۵.

به آن‌ها داده می‌شود و از رزقی از ارزاق بهشت ارتزاق می‌کنند، می‌گویند: این چیزی است که از قبل به ما داده شده است «وَأُتُوا بِمِثْلِهَا» و مشابه آن‌ها و مثل آن‌ها به آن‌ها داده می‌شود.

یک بشارت یا دو بشارت؟

احتمال اول: در مورد اینکه این قسمت از آیه به یک مطلب می‌خواهد اشاره کند یا دو مطلب، اختلاف است. برخی معتقدند «وَأُتُوا بِمِثْلِهَا» همان معنای «كُلَّمَا رُزِقُوا» را دارد بیان می‌کند، یعنی اینکه هر زمانی که رزقی به این‌ها داده می‌شود، می‌گویند: این از قبل به ما داده شده و مثل این هم باز به آن‌ها داده می‌شود. این کَانَ دارد یک مطلب را افاده می‌کند.

احتمال دوم: این است که این‌ها دو مطلب متفاوت است. در قسمت اول وقتی این‌ها از یک رزق و ثمره‌ای برخوردار می‌شوند، می‌گویند: این از قبل به ما داده شده و بعد از اینکه این را می‌گویند آنوقت مشابه آن و مثل آن هم به آن‌ها داده می‌شود که این یک چیز دیگری است. در اینجا باید چند مسأله روشن شود:

اولاً که این‌ها دو معنا را دارند افاده می‌کنند یا یک مطلب؟

دوم اینکه چطور هر زمانی که به آن‌ها رزقی داده می‌شود، می‌گویند ما قبلاً از این رزق بهره مند بودیم؛ منظور از این قبلاً چه زمانی است؟

سوم اینکه منظور از «وَأُتُوا بِمِثْلِهَا» چیست؟ این که یک چیزی مشابه به آن‌ها داده می‌شود، این به چه معناست؟ این‌ها مطالبی است که در این قسمت از آیه حتماً باید به آن رسیدگی شود.

بررسی احتمال اول (فخر رازی)

فخر رازی در تفسیر کبیر ادعا می‌کند این جمله «وَأُتُوا بِمِثْلِهَا» همان جمله «وَكُلَّمَا رُزِقُوا» است. یعنی هر زمانی که به اینها ثمره و میوه‌ای داده می‌شود این‌ها گمان می‌کنند که این همان میوه و ثمره‌ای است که در دنیا داشتند. یعنی کَانَ معنای آیه طبق این احتمال این است که، وقتی در آنجا به آن‌ها ثمره و میوه‌ای داده می‌شود می‌گویند ما این را قبلاً در دنیا داشته ایم.^۱

این معنا را نمی‌توان پذیرفت، چون: اولاً بحث ظن و گمان نیست، چون بهشت عالمی نیست که آن جا بحث ظن و گمان یا تخمین و امثال این امور باشد؛ آنچه بهشتیان می‌گویند و میشنوند حق است و غیر از این حقی نیست و ظاهر این آیات هم این است که خداوند متعال کَانَ دارد یک بشارت دیگری به آن‌ها میدهد. آن‌ها وقتی این حرف را می‌زنند، خداوند می‌فرماید: «وَأُتُوا بِمِثْلِهَا» و این یک بشارت است، بشارت به دادن یک چیز جدید و تازه که البته تشابه هم با آنچه که قبلاً هم از آن برخوردار بوده‌اند، دارد.

^۱ تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۱۴۲.

پس در درجه اول باید توجه کنیم که این دو جمله و عبارت، در واقع دو بشارت است، نه یک بشارت که ظاهر عبارت فخر رازی نشان می‌دهد.

حالا اینکه این دو بشارت چیست را ما باید تبیین کنیم.

معنای «من قبل»

اما بشارت اول در جمله «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا» به این معنا است که به این‌ها رزق و ثمره دائمی داده می‌شود، این استمرار دارد، اینکه رزق بهشتی چیست، این خودش احتیاج به توضیح دارد که انشاءالله این را توضیح خواهیم داد که اساساً رزق در بهشت برین به چه معناست، آیا منظور همین رزقی است که ما در این دنیا داریم، از اکل و شراب و امثال این‌ها یا یک معنای عامی دارد.

فعلاً بحث در این است که چگونه وقتی به اینها یک رزقی داده می‌شود این‌ها می‌گویند: «هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ» این رزقی است که ما قبلاً از آن بهره‌مند شده‌ایم. این کلمه من قبل اشاره به کجا دارد و این‌ها به چه چیزی اشاره می‌کنند که قبلاً از آن بهره‌مند شده‌اند؟

چند احتمال در اینجا ذکر شده است:

احتمال اول: اینکه منظور از «من قبل»، یعنی در همان بهشت و قبل از این رزق؛ یعنی هر بار که خداوند به اهل ایمان و عمل صالح رزقی میدهد، این‌ها اظهار می‌کنند که ما قبلاً در بهشت از این رزق بهره‌مند شدیم. پس اشاره دارد به همان عالم آخرت آن هم در خود بهشت. مثلاً کسی درجایی مهمانی برود و چند روز در آن جا مهمان باشد، و مکرر با طعام و شراب از او پذیرایی کنند، در دفعه‌های بعد که تعارف می‌کنند، می‌گوید: ما از این برداشتیم. این در واقع یک تشکر است و اعتراض نیست، که چرا دوباره به ما از این‌ها می‌دهید، البته بنده این مثال را برای تقریب به ذهن عرض کردم. کأن رزق که به آن‌ها داده می‌شود بهشتیان می‌گویند: ما از این بهره‌مند شدیم، ممنون.

بررسی: «هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ» ظاهرش این نیست که بگوید: ما قبلاً از این گرفتیم.

این احتمال با ظاهر آیه سازگار نیست؛ کسی که در بهشت چیزی را می‌گیرد، اگر قرار باشد هر بار که به او میدهند این حرف را بزنند، این به نظر نمی‌آید که چیزی باشد که بخواهند به آن بشارت بدهند.

احتمال دوم: این است که «من قبل» اشاره به عالم برزخ باشد، یعنی در حقیقت هر زمانی که رزق و ثمره‌ای که به او داده می‌شود این شخص در پاسخ ادعا می‌کند که مثل این یا این را به عینه در عالم برزخ دیدیم و از آن برخوردار شدیم. این یک احتمالی است که برخی از کتب تفسیری آن را به عنوان معنای این آیه ذکر کرده‌اند.^۱

^۱ الفرقان ص ۲۴۷.

بررسی: این احتمال شاید بهتر از احتمال اول باشد ولی باز نمی‌تواند پذیرفته شود چون این متفرع بر این است که تمام نعمت‌های بهشتی به عینه در عالم برزخ هم به اهل ایمان و عمل صالح داده شده باشد. چون بر طبق این آیه «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ»، «كُلَّمَا» یعنی هر وقت که یک ثمره و میوه‌ای به آن‌ها داده می‌شود این‌ها می‌گویند این از قبل به ما داده شده. اگر قرار باشد این اشاره به عالم برزخ باشد، باید تمام آنچه که در بهشت به عنوان رزق وجود دارد، در عالم برزخ هم باشد، در حالی که قطعاً اینطور نیست. درست است در عالم برزخ مؤمنین بهره‌مند از برخی نعمت‌ها هستند، ولی قطعاً اینطور نیست که تمام نعمت‌های بهشت در عالم برزخ هم به نحو موجه کلیه وجود داشته باشد. یا مثلاً همه عذاب‌هایی که در جهنم برای کفار و منافقین است، برای این‌ها در عالم برزخ هم وجود داشته باشد. برزخ در واقع یک گوشه‌ای از نعمت‌ها و عذاب‌های عالم آخرت را در خود جای داده است. بنا بر این بعید به نظر می‌رسد که بگوییم «مِنْ قَبْلِ» اشاره به برزخ دارد چون لازمه‌اش این است که تمام نعمت‌های بهشت و تمام عذاب‌های جهنم در عالم برزخ هم وجود داشته در حالی که این چنین نیست.

بحث جلسه آینده

احتمال سوم این است که منظور از «مِنْ قَبْلِ» دنیا باشد؛ «هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ»، یعنی در دنیا، آنوقت طبق این احتمال معنایش این می‌شود که هر چه که به آن‌ها داده می‌شود می‌گویند: ما در دنیا از آن بهره‌مند شدیم. و این نیاز به توضیح دارد که منظور از اینکه در دنیا از آن بهره‌مند شدیم چیست؟ و «أَتُوا مَتَشَابِهًا» طبق این احتمال چه معنایی دارد که انشاءالله جلسه بعد عرض می‌کنم.

«والحمد لله رب العالمين»